



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال ششم / شماره بیست و دوم / زمستان ۱۴۰۳



doi: 10.22034/icrs.2025.489440.1308

کاربرد خط نستعلیق در دربار گورکانیان هند (متون تاریخی، اسناد اداری و دیوانی)

زینب ابوالحسنی^۱ / محسن معصومی^۲

چکیده

خط نستعلیق در عصر تیموریان در ایران مسیر کمال را پیمود و در عصر صفویان جایگاه ویژه‌ای یافت که به سبب زیبایی ظاهری و تأثیرگذاری چشم‌نواز، به شبه قاره هند نیز راه یافت و بیش از خطوط دیگر، مورد اقبال و توجه گورکانیان هند قرار گرفت و خط رایج و کاربردی دستگاه اداری و دیوانی آنها شد. در پژوهش حاضر، کاربرد خط نستعلیق و اهمیت و جایگاه آن در تاریخ‌نویسی و اسناد اداری و دیوانی، دوره‌ی گورکانیان هند بررسی شده و کوشش شده است به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود: عوامل مؤثر در رواج نستعلیق‌نویسی در دوره‌ی گورکانیان هند چه بود؟ در این دوره، بیشتر در چه زمینه‌هایی از خط نستعلیق استفاده می‌شد؟ و نستعلیق‌نویسی در این دوره تا چه اندازه متأثر از رواج این فن و هنر در ایران بود؟ نتایج این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکردی تاریخی صورت گرفته نشان می‌دهد که علاقه‌مندی پادشاهان گورکانی در هند به خط نستعلیق ایرانی و حضور کاتبان و خوشنویسان ایرانی در دربار آنها، موجب تشویق و در نتیجه رواج گسترده‌ی این هنر در حکاک‌ی سنگ‌ها، ظروف قیمتی و نوشتن بر روی سکه‌ها، تهیه‌ی آلبوم‌های سلطنتی (مرقع گلشن و گلستان و مرقع هند و ایرانی)، متون ادبی و به‌ویژه تولید منابع تاریخی و اسناد اداری و دیوانی شد که هر کدام به صورت جداگانه می‌تواند مورد پژوهش قرار گیرد. در این پژوهش نیز سعی شده است به کاربرد استفاده از نستعلیق‌نویسی در متون تاریخی و اسناد اداری و دیوانی توجه شود.

واژه‌های کلیدی: گورکانیان هند، نستعلیق‌نویسی، متون تاریخی، اسناد اداری و دیوانی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

zeinab.abolhasani@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mmassumi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۱ نوع مقاله: پژوهشی (۳۱-۱۰)

The use of the Nastaliq script in the court of the Mughals of India Historical texts, administrative documents

zeynab abolhasani¹/ Mohsen Masumi²

Abstract

The Nasta'liq script flourished during the Timurid era in Iran and gained a special status during the Safavid period. Due to its aesthetic beauty and visually striking impact, it made its way to the Indian subcontinent, where it was particularly favored by the Mughal emperors. It became the prevalent and practical script for their administrative and bureaucratic affairs, surpassing other scripts in popularity and attention. In the present study, the application of the Nastaliq script and its significance and position in historiography and administrative and bureaucratic documents during the Mughal period in India is examined. Efforts have been made to answer the following questions: What were the factors influencing the popularity of Nastaliq writing during the Mughal period in India? In what areas was the Nastaliq script predominantly used during this period? And to what extent was Nastaliq writing during this period influenced by the prevalence of this art and craft in Iran? The results of this research, conducted using a descriptive-analytical method with a historical approach, indicate that the interest of the Mughal kings in India in the Persian Nastaliq script and the presence of Persian scribes and calligraphers at their court encouraged and consequently led to the widespread popularity of this art in stone engraving, precious vessels, and writing on coins, as well as the preparation of royal albums (the Golshan and Golestan albums and the Indian and Persian albums), literary texts, and especially in the production of historical sources and administrative and bureaucratic documents, each of which can be studied separately. This research also aims to focus on the application of Nastaliq writing in historical texts and administrative and bureaucratic documents.

Keywords: Mughal India, Nasta'liq calligraphy, historical texts, administrative and official documents.

1. Phd Student, of history and civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. zeynab.abolhasani@ut.ac.ir

2 . Associate Professor, Dpartment, of history and civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) mmassumi@ut.ac.ir

مقدمه

گورکانیان بزرگ هند (حک: ۹۳۲-۱۱۱۸ ق.) به هنر خوشنویسی، به‌ویژه نستعلیق توجه زیادی داشتند، این خط که پیش از تشکیل حکومت گورکانیان، از ایران وارد هند شده بود، در دوره‌ی بابر بنیانگذار این سلسله رواج بیشتری یافت و در دوره‌ی جانشینان وی و تحت تأثیر نستعلیق‌نویسان ایرانی به‌ویژه، به کمال رسید. رونق و گسترش زبان فارسی در دربار گورکانیان، مهاجرت بسیاری از هنرمندان و خوشنویسان ایرانی به هند و تعاملات فرهنگی و سیاسی گورکانیان هند با دربار صفوی، از عوامل تأثیرگذار در رونق و شکوفایی هنر خوشنویسی در هند بود. زبان فارسی که از دیرباز، زبان دربار و دیوان سلاطین مسلمان هند بود، در دوره گورکانیان نیز همچنان به حیات علمی و دیوانی خویش ادامه داد، پادشاهان گورکانی به زبان فارسی سخن می‌گفتند و فارسی، زبان رسمی دربار آنان بود. مکاتبات و مراسلات اداری و دیوانی در این دوره به زبان فارسی صورت می‌گرفت، به علاوه آثار علمی و تاریخی نیز تقریباً یکسره به زبان فارسی نوشته می‌شد، به‌گونه‌ای که دوره‌ی گورکانیان را باید یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ هند و شاید تاریخ اسلام در زمینه تولید تواریخ فارسی، به شمار آورد. در این دوره کاتبان و نویسندگان، تحت تأثیر ساختار، سبک، نوع، شیوه، و حتی نگرش کاتبان صفوی قرار داشتند. علاوه بر دیوانسالاران و کاتبان، سلاطین گورکانی، خود به آموختن خط نستعلیق و استفاده از آن پرداختند و آثار منشور و منظوم زیادی از بر جای نهادند. هنرمندان و کاتبان ایرانی با حمایت سلاطین گورکانی، به برخی از نویسندگان و دیوانسالاران بومی هندی نیز نستعلیق‌نویسی را تعلیم دادند تا بتوانند در کنار دیگر کاتبان به نگارش آثاری به خط فارسی با سبک نستعلیق ایرانی بپردازند. برای این کاتبان دستمزدهای قابل توجهی، مقرر شده بود و چنانکه کسی از آنها اثری نفیس ارائه می‌داد از دستمزد بیشتر و انعام فزون‌تر بهره‌مند می‌شد.

درباره نستعلیق‌نویسی در دربار گورکانیان تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته است. شیلا بلر فصل دوازدهم کتاب خوشنویسی اسلامی را به خوشنویسی از جمله نستعلیق در هند اختصاص داده است. امیرحسین ذکرگو در مقاله «لهجه نستعلیق» به نظریه تأثیر لهجه‌ها در شیوه‌های خوشنویسی و مطالعه تطبیقی خط نستعلیق در ایران و شبه قاره هند پرداخته است. محمد عبدالله چغتایی در مقاله «خط نستعلیق در هند و پاکستان» به بررسی و گسترش خط نستعلیق و معرفی نستعلیق‌نویسان، به‌ویژه در

دوره شاه جهان گورکانی، پرداخته است. در مجموع اگرچه نستعلیق نویسی در دوره گورکانیان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است اما تاکنون استفاده از این خط در متون تاریخی و اسناد اداری و دیوانی این دوره مورد توجه قرار نگرفته است.

عوامل مؤثر در رواج نستعلیق نویسی در دوره گورکانیان هند

ظهیرالدین محمد بابر (حک: ۹۳۲-۹۳۷ ق)، بنیانگذار سلسله گورکانیان، که خود از میرزایان تیموری بود و در محیط علمی و ادبی خراسان و ماوراءالنهر بالیده بود، به هنگام لشکرکشی به هند، شماری از هنرمندان ایرانی از جمله تعدادی خوشنویس به همراه داشت. حضور این هنرمندان در هند و در دربار دهلی، در دوره بابر و جانشینان وی، زمینه های رواج و گسترش هنرهای مختلف از جمله نستعلیق نویسی^۱ را فراهم ساخت (چغتایی، ۱۳۵۴، ۳۰؛ Souchek, 166, 1987). همایون (حک: ۹۳۶-۹۶۲/۹۴۷-۹۶۳ ق) فرزند و جانشین بابر و دومین پادشاه گورکانی هند، به سبب ناکامی های سیاسی و شکست از سوریان (حک: ۹۴۷-۹۶۳ ق)^۲، ناچار به دربار شاه طهماسب صفوی (حک: ۹۳۰-۹۸۷ ق) در قزوین پناهنده شد (بدائونی، ۱۳۸۰، ۲۳۹/۱-۲۴۵). همایون با حمایت شاه طهماسب و یاری قزلباشان، توانست سلطنت از دست رفته ی خود را در دهلی بازپس گیرد. وی در بازگشت به هند بسیاری از علماء، دانشمندان، هنرمندان و خوشنویسان ایرانی را با خود به همراه برد. از جمله همراهان همایون در بازگشت به هند، عبدالصمد شیرازی، نقاش و خوشنویس و از نستعلیق نویسان ماهر و بنام بود. همایون به عبدالصمد لقب شیرین قلم داد و او را بسیار برکشید، از این رو حضور وی را در دربار دهلی، نقطه ی عطفی در هنر نستعلیق نویسی در هند به ویژه در زمینه تولید آثار تاریخی، دانسته اند (هفت قلمی، ۱۹۱۰، ۸۴؛ تتوی، ۱۳۸۲، ۵۶۸۶/۸).

جلال الدین اکبر (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) پسر و جانشین همایون، بی شک یکی از پرآوازه ترین پادشاهان مسلمان هند و از جدی ترین و پروپا قرص ترین حامیان هنر و علم و ادب در شبه قاره هند بود. دوره

۱. خط نستعلیق در دوره تیموری به واسطه میرعلی تبریزی قاعده مند شد، با میرزا جعفر تبریزی بایسنقری و اظهر تبریزی مسیر کمال را پیمود و با تلاش های سلطانه ی مشهدی جایگاه شایسته ای در هنر ایران کسب نمود و بسیار مورد پسند ایرانیان قرار گرفت. سپس به سایر ممالک اسلامی راه یافت و مناسب ترین شیوه برای نگارش متون ادبی شد. نک: (سحاب، ۱۳۸۱، ۴۵-۴۴/۲)

۲. سوریان از جمله از قبایل افغان بودند که برای مدت کوتاهی در دهلی و آگرا حکومت کردند، مؤسس این حکومت شیر شاه سوری بود. برای آگاهی بیشتر نک: (بدائونی، ۱۳۸۰، ۲۴۵/۱-۲۸۶؛ هندوآبادی، ۱۸۷۴، ۲۲۱/۱-۲۲۸)

پادشاهی اکبر را دوره تثبیت هنر ایرانی در هند دانسته‌اند. با حمایت بی دریغ وی، نستعلیق‌نویسی در هند به‌ویژه در زمینه‌ی تولید آثار تاریخی فارسی و مکاتبات دیوانی، به اوج رونق و شکوفایی خود رسید. در همین دوره بود که گروهی از استادان بنام نستعلیق‌نویس، در کنار نقاشانی که متأثر از شیوه نقاشی بهزاد و سلطان محمد نگارگر تبریزی بودند، به کار تولید و نسخه برداری متون تاریخی فارسی پرداختند. ابوالفضل علامی در کتاب آیین اکبری به نام شماری از این هنرمندان و نستعلیق‌نویسان اشاره کرده است (علامی، ۲۰۰۵، ۸۲-۷۹). از مشهورترین این هنرمندان که تقریباً تمام فرمان‌های مهم به قلم وی نوشته می‌شد و به حق نستعلیق‌نویسی را تکامل بیشتری بخشید، اشرف خان (میرمنشی)^۱ بود. عبدالرحیم عنبرین قلم/میردوری^۲ و کاتب‌الملک هراتی نیز در میان نستعلیق‌نویسان این دوره از شهرت بیشتری برخوردار بودند. هراتی کاتب رسمی دربار گورکانیان بود و در کتابت آثار تاریخی و هنری سهمی بسزا داشت (شاه نواز خان، ۱۸۸۸، ۱/۷۳-۷۴؛ نهندی، ۱۹۳۱، ۳/۱۶۷۸؛ W.Lent's, 319, 1989) برخی از بومیان هند نیز در این دوره در نستعلیق‌نویسی به شهرت رسیدند. محمدحسین کشمیری از جمله این هنرمندان بود. وی که نستعلیق‌نویسی را در ایران فراگرفت، در دوره‌ی اکبر به هند بازگشت و نامش در فهرست نستعلیق‌نویسان قرار گرفت و لقب «زرین‌قلم» به وی اعطا شد (مستقیم زاده افندی، ۱۹۲۸، ۶۵۹، ۷۲۷؛ بیانی، ۱۳۴۶، ۷۰۲/۳؛ اصفهانی، ۱۳۶۹، ۱۵۳). هنر خوشنویسی در دوره‌ی جانشینان اکبر به‌ویژه جهانگیر و شاه‌جهان نیز به بالندگی و سرزندگی خود ادامه داد و علاوه بر مکاتبات دیوانی، بسیاری از آثار فارسی تاریخی در این دوره به دست خوشنویسان و هنرمندان ماهر، استنساخ و تولید شد. بی‌شک در دوره‌ی حکومت اکبر و پسرش جهانگیر (حک: ۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ ق.) و نوه‌اش شاه جهان (حک: ۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ ق.)، حیات اداری و سیاسی و

۱. برخی از هنرمندان در دربار گورکانی دارای تخلص و منصب بودند مانند اشرف خان که ملقب به میرمنشی و دارای مناصبی چون میر عرضی - میر مالی بود که ویلسون در کتاب خود به این مناصب اشاره نموده است.

Wilson, H.H - M.A, F.R.S, *A Glossary Of Judicial And Revenue Terms*, Islamabad, Muqtadirah - Yi Qaumi Zaban, 1985

۲. میردوری شیوه نستعلیق خود را از سبک میرعلی پی گرفته است اما آشنایی با این سبک به‌طور مستقیم نبوده زیرا میرعلی در حدود ۹۵۰ و یا یک سال بعد فوت کرده است؛ بنابراین احتمال می‌رود که در کارگاه خان خانان با سبک میرعلی آشنا شده باشد. نک:

Soucek, 1987, 169

هنری و فرهنگی هند شکوهی فراوان و درخششی تمام یافت و سرزمین هند به کانون علمی و هنری در زمینه‌های گوناگون از جمله نستعلیق‌نویسی، تبدیل شد. نمونه‌ی بارز گسترش هنر خوشنویسی در دربار جهانگیر حضور برخی وزیران ایرانی در این دستگاه بود، زیرا بسیاری از هنرمندان در ابتدا به خدمت این افراد عالی رتبه می‌رسیدند و بعد در دربار شهرت می‌یافتند. از جمله این افراد عالی‌رتبه می‌توان به عبدالرحیم خان خانان اشاره کرد که در توجه به هنر و هنرمندان نظیر نداشت، نهادندی نیز در قالب شعر مقام وی را ستوده است و می‌نویسد که وی هند را به ایران تبدیل کرده بود. (شاه نواز خان، ۱۸۸۸، ۱/۶۹۳-۷۱۳؛ نهادندی، ۱۹۳۱، ۸/۳؛ خوشگو، ۱۳۸۹، ۲۴۶-۲۴۷).

مکتب خوشنویسی گورکانیان از آغاز به واسطه کوشش‌های سلطان‌علی مشهدی و میرعلی هروی، متأثر از هنر نستعلیق‌نویسی در هرات و بخارا بود و سبک خوشنویسی عصر صفویان در ایران به سبب کیفیت مطلوب در بین خطوط و زیبایی ظاهری، مورد توجه مجموعه‌داران و هنرشناسان سرزمین‌های ایران و هند به شمار می‌رفت. از این‌رو گاه نسخه‌های خطی هند به دست نستعلیق‌نویسان ایرانی کتابت و سپس جهت تکمیل اثر به دربار گورکانی ارسال می‌شد. همچنین خوشنویسی ایرانی در هند بر خلاف نگارگری ایرانی - که به مرور جای خود را به مکاتب دیگری چون اروپایی و هندی داد (پاکباز، ۱۳۸۶، ۵۸۹؛ پرایس، ۱۳۵۶، ۱۷۶؛ موریس، ۱۳۸۳، ۷۶) - همچنان تا پایان دوره‌ی گورکانیان مورد توجه قرار داشت و کتابت بسیاری از نسخه‌های خطی در هند به دست کاتبان هندی چون چندرَبهان بَرَهمن^۱، رأی پریم نات^۲، راجا امید سینگ^۳ انجام پذیرفت، هرچند که در این نسخه‌ها چندان به نفاس اثر توجه نمی‌شد (سوچک، ۱۳۸۶، ۲۹؛ قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲، ۱۲۱-۱۲۲؛ Schimmel, 1984, 30-31).

زمینه‌های استفاده از خط نستعلیق در دوره گورکانیان

کاربرد استفاده از خط نستعلیق در دربار گورکانیان آن‌گونه که بیان شد در زمینه‌های گوناگونی همچون حکاکی سنگ‌ها، ظروف قیمتی و نوشتن بروی سکه‌ها، تهیه آلبوم‌های سلطنتی (مرقع گلشن و

1. chandarbhan brahman

2. Ray prem nath

3. Raja omid singh

گلستان و مرقع هند و ایرانی)، متون ادبی و به‌ویژه در زمینه‌ی تولید منابع تاریخی و اسناد اداری و دیوانی صورت گرفته است که در این پژوهش نیز سعی شده است به کاربرد استفاده از نستعلیق نویسی در متون تاریخی و اسناد اداری و دیوانی توجه شود.

۱. متون تاریخی و تذکره‌ها

پیش از رواج گسترده‌ی خط نستعلیق در دربار و قلمرو گورکانیان، کتابت با خطوط ششگانه^۱ مرسوم بود. در کنار آن گاه در مصحف‌های محلی از خط بیهار^۲ نیز استفاده می‌شد. یک نمونه مصحف در دست است که در دوره‌ی اکبر با اقلام مختلف نوشته شده است. اوج استفاده از این اقلام ششگانه به‌ویژه خط نسخ، در دوره‌ی اورنگ زیب (۱۰۶۸-۱۱۱۸ ه) بود چرا که علاوه بر اورنگ‌زیب، دختران وی زیب‌النساء بیگم و زینت‌النساء نیز از علاقه‌مندان به خط نسخ بودند. البته خط ثلث هم هرچند بیشتر در کتیبه‌ها و برای نوشتن آیات قرآنی مورد استفاده قرار می‌گرفت. با این حال بی شک، رتبه نخست در کتابت آثار ادبی و هنری در این دوره متعلق به خط نستعلیق بود. این خط علاوه بر زیبایی ظاهری، دارای تناسب در میزان سطح و دور و نیز آسانی در خواندن بود، لذا با سرعت بالا و فشرده‌گی بسیار در نوشتن سبب می‌شد تا مطالب بیشتر در سطرها و صفحات کمتر جای گیرد. همین امر توجه بسیاری از کاتبان و خوانندگان را به خود جلب کرد و نستعلیق را به عنوان مناسب‌ترین خط برای نگارش متون فارسی برگزیدند (هفت قلمی، ۱۹۱۰، ۱۲۵؛ Blair, 2006, 550-541).

ابوالفضل علامی در خلال لفاظی همیشگی‌اش در مدح حامی خود اکبر، اشاره می‌کند که وی به انواع اقلام خط ذوق می‌ورزید و بسیاری از خوشنویسان چیره‌دست را تشویق می‌کرد، اما از بین همه اقلام نستعلیق را برمی‌گزید که به نوشته این مورخ، در روزگار قدرت اکبر رونقی تازه یافت و دلیل این رونق مهاجرت نستعلیق‌نویسان ایرانی به هند بود (علامی، ۲۰۰۵، ۷۹-۸۲؛ Blair, 2006, 536). بدین ترتیب نستعلیق به عنوان خطی محبوب برای نگارش متون تاریخی در این دوره انتخاب شد. از آثار تاریخی تولید شده به خط نستعلیق در این دوره می‌توان به نسخه‌های مصور حمزه‌نامه، بابرنامه و اکبرنامه اشاره

۱. مُحَقَّق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع، توقیع

۲. این خط نوعی محقق است که در آن حروف عمودی را کوتاه‌تر و قوس‌های زیر خط کرسی حروف را با تأکید می‌نوشتند. نک:

کرد. ابوالفضل علامی فهرستی از آثار نظم و نثر فارسی که به شیوه‌ی نستعلیق نوشته شده‌اند ارائه کرده که برخی از آنها به قرار زیر است:

کتاب پنج‌کایانه یا پنج داستان کلبله و دمنه، قصه عشق نل و دمن (تصویر ۱) در بحر لیلی و مجنون نظامی، مه‌بهاراتا که از آن به عنوان رزم‌نامه یاد شده است، اَتهَرین (اتهرون) از کتب چهارگانه الهی در هند، تاریخ کشمیر که اخبار و احوال هزارساله آن سرزمین است، واقعیات بابری که توسط عبدالرحیم خان‌خانان از ترکی به فارسی برگردانده شد، بوستان و گلستان سعدی، قابوس‌نامه، شاهنامه و خمسه نظامی (برای نمونه نک. تصویر ۲) و معجم البلدان یاقوت حموی (علامی، ۲۰۰۵، ۸۲-۸۳)

جهت آشنایی بیشتر با متون نگاشته شده در دوره‌ی گورکانیان و دریافت میزان تأثیر نستعلیق‌نویسی ایرانی و صفوی، بررسی چند نمونه از این آثار ضروری است:

(تصویر ۱) نل و دمن، این نسخه مربوط به قرن یازدهم هجری و دارای سه مجلس مینیاتور است که جدیدتر از متن هستند، دو مینیاتور در آغاز و سومی در پایان نسخه قرار دارد (موجود در کتابخانه مجلس، راهنما ۹۱۵۸).^۱



(تصویر ۲) پنج گنج نظامی گنجوی (موجود در دانشگاه تهران، شماره ۷۹۸۹) پایان کتابت ۱۰۱۲ ق.
نمونه‌ای از نستعلیق ایرانی در شعر که کلمات با نظمی بیشتر در ستون‌بندی‌ها قرار گرفته‌اند و انعطاف بیشتری در تصویر دیده می‌شود.

۱. تمامی فایل‌های نسخ خطی مورد استفاده در این پژوهش، در دسترس نگارنده بوده است.

این نسخه مجلل از خمسه نظامی در چهارستون بر ورق‌های کاغذ آهار آخری، به نستعلیق متوازن و به دست عبدالرحیم عبرین قلم کتابت شده و در کنار آن تذهیب و تصاویری نیز طراحی شده است. نسخه امیر خسرو دهلوی یا نسخه نامصور گلستان سعدی در زمان اکبر که به دست محمدحسین کشمیری با دریافت مبلغ یک هزار مَهر (هزار سکه) طلا کتابت شد. در نسخه دهلوی، کشمیری در کشیدگی‌ها و فشرده‌گی‌های مرسوم در نستعلیق نویسی، هم‌زمان بهره برده است و آنچه را از نستعلیق ایرانی فراگرفته در این نسخه اعمال نکرده است، حتی ضمائهم را هم به خط دیگر نوشته و بیشتر عناوین و سرفصل‌ها را با نستعلیقی به رنگ دیگر نگاشته است (اصغر، ۱۳۶۴، ۱۱۶؛ بلر، ۱۳۹۷، ۶۰۷؛ Blair, 2006, 537-553) (تصویر-۳).



(تصویر ۳) نسخه امیر خسرو دهلوی *شاه‌نامه* (تصویر-۴) برگی از ظفرنامه یزدی، دانشگاه تهران،

شماره ۵۲۹۴



(تصویر-۵) برگی از تاریخ رشیدی سده ۱۱ ق. موجود در دانشگاه تهران، شماره ۸۶۷۳

الگو و سرمشق کاتبان در دوره‌ی بابر، سبک به کار رفته در ظفرنامه یزدی و در دوره همایون سبک ظفرنامه شامی بود که هر دو به شیوه نگارش و نستعلیق معمول در دوره تیموریان ایران تهیه شده بودند (اصغر، ۱۳۶۴، ۳۳-۳۴). نمونه‌ای از ظفرنامه یزدی از سده‌ی دهم هجری باقی مانده است (تصویر ۴) که در مقایسه با برخی آثار باقی مانده از این دوره چون تاریخ رشیدی (تصویر-۵) کشیدگی کلمات به شکلی دقیق‌تر و مرتب‌تر، اعمال شده است.

مقایسه کتاب‌های متعلق به دوره بابر با آنچه که از دوره اکبر باقی مانده، نشان می‌دهد که خط نستعلیق فارسی در دوره اکبر از پختگی بیشتری برخوردار شده و تاریخ‌نویسی به خط فارسی رشد چشمگیری یافته است. اکبر اولین پادشاه گورکانی بود که منصب مورخ درباری را به تقلید از ایرانیان به وجود آورد. یکی از مشهورترین تواریخ دوره اکبر تاریخ الفی است که چندین مورخ مانند غیاث الدین علی قزوینی، قاضی‌زاده احمد تتوی و عبدالقادر بداؤنی در نوشتن آن دست داشتند (اصغر، ۱۳۶۴، ۱۲۱، ۱۲۲؛ احمد، ۱۳۶۶، ۱۷) و نکات و اصول نستعلیق‌نویسی در آن بیشتر رعایت شده است (تصویر ۶).



(تصویر ۶) برگی از تاریخ الفی سده ۱۱ ق.، دانشگاه تهران، شماره ۵۸۵۴

به نوشته صفا کتاب احسن التواریخ حسن روملو که در سال ۹۸۵ ق تألیف شد، از نمونه‌های برجسته‌ای بود که کاتبان گورکانی از آن تقلید می‌کردند (صفا، ۱۳۷۰، ۱۴۴۹/۵). با این حال هرچند پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در زمینه خوشنویسی در دوره اکبر ایجاد شد، اما مقایسه‌ی آثار به جای مانده

با لحاظ همه قرائن و شواهد نشان می‌دهد که کاتبان نتوانستند در نستعلیق نویسی، به ظرافت و انعطاف‌پذیری موجود در آثار تهیه شده در دوره صفوی دست یابند. (تصویر ۷) برای نمونه در نسخه خطی احسن التواریخ متعلق به سده‌ی دهم هجری و موجود در کتابخانه مجلس (به شماره ۷۹۴۶) که به خط نستعلیقِ بدیع الزمان کاتب بن محمد کاظم خاتون آبادی از خوشنویسان عصر صفوی تألیف شده است، تمامی فنون نستعلیق‌نویسی، انعطاف کشیدگی‌ها و منحنی‌ها در همه‌ی واژه‌ها به زیبایی و دقت رعایت شده اما در نسخه تاریخ الفی واژه‌ها گاه به تحریر فارسی و گاه به فن نستعلیق و شکسته نستعلیق نگاشته شده است.



(تصویر ۷) احسن التواریخ

آیین اکبری و اکبرنامه^۱ از ابوالفضل علامی، طبقات اکبری از نظام الدین احمد بن محمد و تاریخ سند یا تاریخ معصومی از میرمعصوم بهکری، از دیگر آثار مهمی هستند که به شیوه نستعلیق در دوره اکبر نوشته شده‌اند. مقایسه نسخه‌های موجود از تاریخ معصومی و اکبرنامه، نشان می‌دهد که به رغم همزمانی تولید دو اثر، تاریخ معصومی با اندکی تفاوت، به نستعلیق ایرانی نزدیک‌تر است (نک تصویر ۸) اما کاتب اکبرنامه (تصویر ۹) بیشتر سعی در خوانانویسی داشته که یکی از مزیت‌های اولیه نستعلیق نویسی بوده است.

۱. اکبرنامه علاوه بر نستعلیق نویسی به خط نسخ نیز نوشته شده است که نمونه‌ی نسخ آن در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره M2038 موجود است.



(تصویر ۹) برگی از اکبرنامه، تاریخ کتابت سال

(تصویر ۸) برگی از تاریخ معصومی، سده ۱۱ ق.

۱۰۲۳ ق، کتابخانه مجلس، ۲۱۷

دانشگاه تهران، ۲۹۰۷



(تصویر ۱۰): نمونه نستعلیق ایرانی در کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی،

اسکندر بیگ ترکمان در سده ۱۱ ق. دانشگاه تهران، ۴۳ حکمت

دوره جهانگیر را به حق «دوره مورخان ایرانی» نامیده‌اند. وی تحت تأثیر همسرش نورجهان به مورخان ایرانی توجه زیادی نشان داد. هر چند از مورخان هندی نیز غافل نبود. در نتیجه تاریخ‌نویسی فارسی به شیوه نستعلیق در دوره وی رواج فراوان یافت. جهانگیر، محمدشرف معتمدخان را که از ایرانیان مهاجر به هند بود، به عنوان مورخ دربار خویش برگزید و وی کتاب اقبال‌نامه جهانگیری را در سه جلد برای سلطان نوشت. نشانه‌های علاقه‌ی وافر به کتابت متون تاریخی آن هم به زبان فارسی و به خط نستعلیق را بیش از همه‌ی این آثار می‌توان در نسخه جهانگیرنامه، کتابی منسوب به جهانگیر که دربردارنده‌ی اطلاعات مفید و منحصر به فرد سیاسی،

جغرافیایی و دینی و فرهنگی است، مشاهده کرد (جهانگیر، ۱۳۵۹، ۴۵؛ اصغر، ۱۳۶۴، ۲۱۵-۲۱۳؛ صفا، ۱۳۷۰، ۱۷۱۲/۵).



(تصویر-۱۲) برگی از جهانگیرنامه سده ۱۱
ق.، همان، شماره ۱۱۵۹۴



(تصویر-۱۱) برگی از اقبالنامه جهانگیری
سده ۱۱ ق.، دانشگاه تهران، شماره ۵۷۴۸

شاه جهان در دیوان انشاء بخشی را برای نگارش تاریخ ایجاد کرد که علاوه بر ایرانیان، تعدادی از هندی‌ها نیز در آن مشغول به کار بودند. به علاوه داراشکوه، پسر ارشد و ولیعهد وی، که خود اهل علم و دانش و دارای تألیفات فراوان بود، به ترویج زبان و ادب فارسی و حمایت از تاریخ‌نویسان همت گماشت. جانشین وی اورنگ‌زیب توجهی به تاریخ و تاریخ‌نویسی نداشت، با این حال در دوره وی نیز با حمایت شاهزادگان، کتب تاریخی زیادی به خط نستعلیق نوشته شد. از جمله این آثار می‌توان به عالمگیرنامه، مرآه العالم، تحفه الاخبار، برهان الفتوح، فتوحات علمگیری و لب‌التواریخ هند اشاره کرد. برخی از این آثار مانند لب‌التواریخ به دست هندی‌ها نوشته شدند و نسخه‌های بازمانده از آنها نشان می‌دهد کاتبان هندی، به اصول نستعلیق‌نویسی چندان توجهی نداشتند و بیشتر درصدد نوشتن متونی با خط خوش و خوانا بودند (اصغر، ۱۳۶۴، ۲۱۳-۲۱۶، ۳۰۴-۳۰۷-۴۱۴-۴۱۷؛ صفا، ۱۳۷۰، ۱۵۵۷-۱۵۵۸؛ قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲، ۱۲۱، ۱۲۲).



(تصویر ۱۳) لب التواریخ اثر رأی بندرابین^۱ تاریخ نشر ۱۱۰۵ ق. دانشگاه تهران، ۵۳۴۷

تذکره‌نویسی به معنی تألیف آثاری در شرح احوال شعرا، دانشمندان یا شخصیت‌های سیاسی و دینی دیگر است که به تقلید از صفویان در میان گورکانیان رواج فراوان یافت. بسیاری از این تذکرها نیز به خط نستعلیق نوشته شده‌اند. از جمله می‌توان به تذکره میخانه از ملا عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی، مرآه الخیال از شیرعلی خان، مآثر رحیمی از عبدالباقی نهاوندی، نفایس المآثر از میرعلاءالدوله قزوینی و تذکره بتکده از ملا محمدصوفی مازندرانی اشاره کرد. از میان پرارزش‌ترین تذکرها در دوره اکبر و جهانگیر، می‌توان از هفت اقلیم (تصویر ۱۴) اثر محمد امین بن احمد رازی، مجالس المؤمنین (تصویر ۱۵)^۱ اثر قاضی احمد شوشتری و عرفات العاشقین اثر تقی اوحدی نام برد که به نستعلیق نوشته شده‌اند (زرین کوب، ۱۳۷۱، ۱۱۲؛ امیری، ۱۳۷۴، ۴۰؛ صفا، ۱۳۷۰، ۱۵۹۱/۵، ۱۷۰۶، ۱۷۳۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نسخه خطی مجالس المؤمنین هم در دانشگاه تهران به دو خط نسخ، شماره راهنما MF-13196/17059، و نستعلیق شماره ۸۷۶۲ موجود است و هم در کتابخانه مجلس که در این پژوهش از نسخه خطی نستعلیق کتابخانه مجلس استفاده شده است.



(تصویر ۱۵) برگی از مجالس المؤمنین،

کتابخانه مجلس، ۲۲۱ س



(تصویر ۱۴) برگی از هفت اقلیم سده ۱۱

ق، همان، ۶۵۶۷

فرهنگ‌نامه‌نویسی به زبان فارسی نیز از دوره اکبر شروع شد و علاوه بر استفاده از خط نستعلیق، گاه از شکسته نستعلیق (که از قرن یازدهم هجری در تندنویسی به کاتبان کمک بسیاری نمود) برای کتابت این آثار استفاده می‌شد؛ مانند فرهنگ جهانگیری اثر میرجمال‌الدین انجوی شیرازی ملقب به عضدالدوله که به شکسته نستعلیق کتابت شد (تصویر ۱۶) و برهان قاطع اثر محمدحسن تبریزی (تصویر ۱۷)، فرهنگ رشیدی از عبدالرشید حسینی، بهار عجم، مویذالفضلا و غیاث‌اللغات از غیاث‌الدین رامپوری نمونه‌هایی از فرهنگ‌نامه‌های این دوره هستند که با خط نستعلیق نوشته شدند (امیری، ۱۳۷۴، ۴۰؛ بهار، ۱۳۸۸، ۳/۲۹۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. به خط نسخ و شکسته نستعلیق هم در دانشگاه تهران موجود است. شماره راهنما، MF-11140/۱۴۵۳، ۹۴۵۳.



(تصویر ۱۷) برگی از برهان قاطع (نستعلیق)،

کتابخانه مجلس سده ۱۱ ق.، ۷۷۸۹

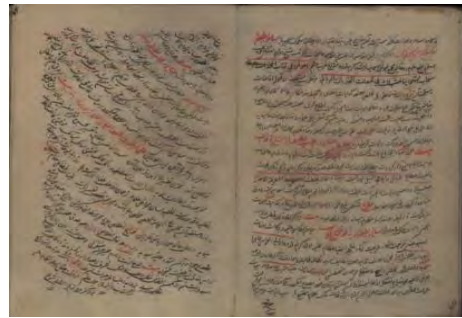
(تصویر ۱۶) برگی از فرهنگ جهانگیری

(شکسته نستعلیق)، دانشگاه تهران، تاریخ

نشر ۱۰۱۷ ق. ۱۳۶۷

۲. اسناد و نامه‌های اداری و دیوانی و مٌهرها

زبان دیوانسالاری گورکانیان فارسی بود و دبیران و کاتبان آنها در نامه‌نگاری‌ها، از سبک و شیوه فارسی نویسان متقدم ایرانی تقلید می‌کردند. اکبرشاه حاکمان ایالت‌ها را مجبور ساخت که به فارسی مکاتبه کنند و دفاتر دولتی را به این زبان و به شیوه نستعلیق بنویسند (صفا، ۱۳۷۰، ۵/ ۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۵۰؛ سدارنگالی، ۱۳۵۴، ۱۶۷). برخی از این نامه‌ها و مکاتبات و توقیع‌ها در کتابهایی چون بدیع‌الانشاء (تصویر ۱۸) اثر یوسف بن محمد معروف به یوسفی هروی و مکاتبات و منشآت نمکین (تصویر ۱۹) از ابوالفضل علامی جمع‌آوری شده است (کنبو، ۱۹۶۰، ۳/ ۴۲۴-۴۳۲؛ صفا، ۱۳۷۰، ۵/ ۱۵۹۶-۱۵۹۸، ۱۷۰۰-۱۷۰۱) علاوه بر زبان این مکاتبات، ثبت و ضبط آنها در دفتر دیوانی نیز به فارسی و با خط نستعلیق صورت می‌گرفت که طبعاً موجب سهولت در خواندن دفاتر و نامه‌ها می‌شد.



تصویر ۱۸) برگی از بدیع الانشاء، دانشگاه

تهران، سده ۱۱ ق.، ۲۶۱۵

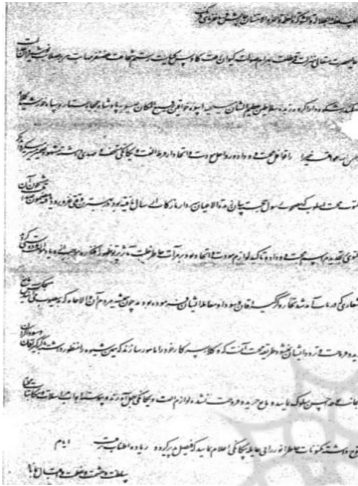
تصویر ۱۹) برگی از مکاتبات علّامی،

همان، تاریخ نشر ۱۰۰۵ ق.، ۱۱۸ ج ادبیات

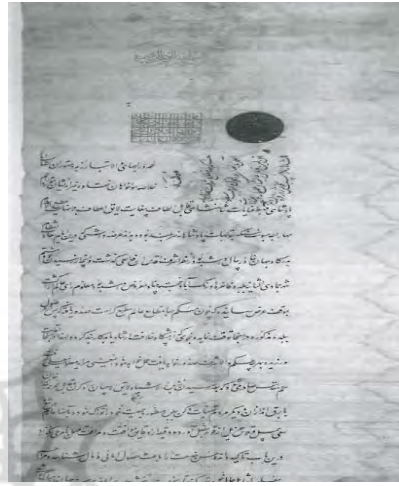
خط نستعلیق ممتاز در مُهرهای سلطنتی نیز کاربرد داشت. پس از بازگشت همایون از ایران، شیوه‌های جدید نستعلیق در مُهرهایی که بر فرمان‌ها می‌خورد، ظاهراً تحت تأثیر دربار صفویه، در هند نیز رایج گشت. این شیوه در دوره جانشینان همایون نیز ادامه یافت و نوشته‌های روی مهرها متناسب با شکل و شمایل انواع مُهرهای به صورت‌های گرد یا بیضی یا کروی تغییر می‌کرد (Blair, 2006, 555,556; بلر، ۶۱۰، ۱۳۹۷-۶۱۱). علّامی در جایی از کتاب خود که سرانجام اسناد را بیان می‌کند در بحث از فرمان‌های ثبّتی و آیین پایه‌نگینها اشاره کرده که برای فرمان‌ها و اسناد رسمی چون سیورغال‌ها و پروانچه‌ها مُهر شاهنشاهی ضرب می‌شد (علّامی، ۲۰۰۵، ۱۵۱-۱۵۴). به سبب سهولت خواندن متون و فرمانها و اسنادی که به خط نستعلیق نوشته می‌شدند، به ویژه برای هندی‌ها، در سراسر سده‌ی یازدهم، استفاده از این خط در اسناد دیوانی، رونق بسیار یافت. یکی از اسناد دیوانی بر جای مانده از این دوره، فرمانی است که در چهارمین سال حکومت اورنگ‌زیب (حک ۱۰۶۷ - ۱۱۱۸ ق.)^۱ برای جَسونَت سِنگه^۲، مه‌اراجه مَروار، صادر شد. (تصویر ۲۰) متن این فرمان با نستعلیق روان بر سطوری مسطح به همراه مُهر و طغرای پادشاه بر صدر سند کتابت شده و به جَسونَت سِنگه، مه‌اراجه مَروار، دستور داده شده که در اورنگ‌آباد بماند. این فرمان رواج خط نستعلیق در نامه‌نگاری دوره گورکانیان را

۱. چهارمین سال سلطنت او در قرن ۱۱ است.

به نمایش می‌گذارد. سبک و سیاق این سند یادآور سندی از همان روزگار به نام شاه عباس صفوی (تصویر ۲۱) است، هر چند در این سند صفوی، کلمات و نقطه‌ها شبیهی واضح‌تر دارند (Blair, 2006, 555-558; بلر، ۱۳۹۷، ۶۱۱ - ۶۱۲).



Blair, 2006, 440 (تصویر ۲۱)



(تصویر ۲۰) بلر، ۱۳۹۷: ۶۱۱

نتیجه‌گیری

هنر کتاب‌آرایی و خوشنویسی در ایران عصر صفوی و گورکانی در هند، بسیار مورد توجه پادشاهان و دولتمردان بود. علاقه‌ی فراوان شاهان هند به هنر و پیوند ناگسستنی فرهنگ ایران و هند در قرن دهم تا دوازدهم هجری از یک سو و مهاجرت تاریخی هنرمندان و کاتبان ایرانی در این دوره به هند از سویی دیگر به عنوان عواملی مهم در شکل‌گیری مکتب خوشنویسی گورکانیان هند یاد شده است. خط نستعلیق که خط رایج در دوره‌ی تیموریان ایران و صفویان بود، به سبب زیبایی ظاهری، خوانایی و ارائه ترکیب‌های مختلف، مورد توجه و تقلید خوش‌نویسان و کاتبان دربار گورکانی قرار گرفت و به دلیل این ویژگی‌ها، بیشتر در متون تاریخی، تذکره‌ها، فرهنگنامه‌ها، آلبوم‌های سلطنتی، اسناد اداری و دیوانی مورد استفاده بود. از این رو کاتبان و دیوانسالاران دربار گورکانی، تحت تأثیر هم‌تایان ایرانی خود، به آموزش این شیوه و ترویج آن اهتمام ورزیدند. آنچه در سبک این نوع نگارش آشکار است، گذشته از

زیبایی ظاهری این که خط نستعلیق با فشردگی کلمات در کنار یکدیگر به کاتبان کمک می‌کرد تا مطالب بیشتری در سطرها بنویسند، بدین سبب صفحات کمتری مورد استفاده قرار می‌گرفت. این امر توانست توجه بسیاری از کاتبان و خوانندگان را به خود جلب کند و نستعلیق را به عنوان مناسب‌ترین خط برای نگارش متون فارسی برگزینند. با وجود تأثیرات بسیاری که شیوه‌ی نستعلیق نویسی کاتبان و دیوانسالاران صفوی بر نستعلیق نویسی گورکانی داشت، اما برخی تفاوت‌ها هر چند اندک آن هم به دلیل حضور کاتبان هندی در دربار گورکانی که چندان به لطافت و ارزشمندی اثر پایبند نبودند موجب تحولی در نستعلیق نویسی گورکانیان شد که می‌توان از آن با عنوان نستعلیق هندی یاد کرد.

نسخ خطی:

آرشیو نسخ خطی کتابخانه دانشگاه تهران:

- اسکندر بیگ ترکمان (۱۱ ق.)، عالم آرای عباسی، شماره ۴۳ حکمت
- توی، قاضی احمد، آصف خان قزوینی و همکاران (۱۱ و ۱۲ ق.) تاریخ الفی، شماره ۵۸۵۴
- جهانگیر، نورالدین محمد (۱۱ ق.)، جهانگیر نامه/ توزک جهانگیری، شماره ۱۱۵۹۴
- حسینی، سید نظام‌الدین محمد معصوم (۱۱ ق.)، تاریخ معصومی/ تاریخ سند، شماره ۲۹۰۷
- دوغلان، میرزا محمد حیدر (۱۱ ق.)، تاریخ رشیدی، شماره ۸۶۷۳
- رازی، امین احمد (۱۱ ق.) هفت اقلیم، شماره ۶۵۶۷
- رای بندرابین (۱۱۰۵ ق.)، لب التواریخ، شماره ۵۳۴۷
- شیرازی، جمال‌الدین حسین (۱۰۱۷ ق.)، فرهنگ جهانگیری، شماره ۱۳۶۷
- شریف خان بن دوست محمد معتمد خان (۱۱ ق.)، اقبال نامه جهانگیری، شماره ۵۷۴۸
- علامی، ابوالفضل (۱۰۰۵ ق.)، مکاتبات علامی، شماره ۱۱۸ ج ادبیات
- نظامی گنجوی، پنج گنج (۱۰۱۲ ق.) شماره ۷۹۸۹
- هروی، یوسف بن محمد (۱۱ ق.) بدیع الانشاء، شماره ۲۶۱۵
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۰ ق.)، ظفرنامه یزدی، شماره ۵۲۹۴

آرشیو نسخ خطی کتابخانه مجلس

تبریزی، محمد بن خلف (۱۱ ق.)، برهان قاطع، شماره ۷۷۸۹

روملو، حسن، احسن التواریخ (۱۰ ق.) شماره ۷۹۴۶

شوشتری، قاضی احمد (۱۰۹۳ ق.)، مجالس المؤمنین، شماره ۲۲۱ س

علامی، ابوالفضل (۱۰۲۳ ق.)، اکبرنامه، شماره ۲۱۷

فیضی دکنی، نل و دمن (۱۱ ق.) شماره راهنما ۹۱۵۸

کتابنامه

احمد، عزیز (۱۳۶۶)، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه: نقی لطفی - محمد جعفر یاحقی، تهران، با همکاری علمی و فرهنگی و کیهان.

اصغر، آفتاب (۱۳۶۴)، تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، لاهور، انتشارات و چاپخانه سید سند.

اصفهان‌ی، میرزا حبیب (۱۳۶۹)، تذکره خط و خطاطان، ترجمه: رحیم چاوش اکبری، تهران، کتابخانه مستوفی.

امیری، کیومرث (۱۳۷۴)، زبان و ادب فارسی در هند، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی نخستین مجمع بین‌المللی استادان زبان فارسی.

بداؤنی، عبدالقادر بن ملوک شاه (۱۳۸۰)، منتخب التواریخ، تصحیح: مولوی احمد علی صاحب - توفیق ه. سبحانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی،

بلر، شیلا (۱۳۹۷)، خوشنویسی اسلامی، ترجمه ولی‌الله کاوسی، تهران، فرهنگستان هنر.

بهار، محمدتقی (۱۳۸۸)، سبک‌شناسی، تهران، امیرکبیر.

بیانی، مهدی (۱۳۴۶)، احوال و آثار خوشنویسان، تهران، دانشگاه تهران.

پاکباز، رویین (۱۳۸۶)، دائره‌المعارف تاریخ هنر، تهران، فرهنگ معاصر.

پرایس، کریستین (۱۳۵۶)، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

تتوی، قاضی احمد، آصف خان قزوینی (۱۳۸۲)، تاریخ الفی، مصحح: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، علمی و فرهنگی.

جهانگیر، نورالدین محمد (۱۳۵۹)، توزک جهانگیری (جهانگیر نامه)، مصحح: محمد هاشم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

چغتایی، محمد عبدالله (۱۳۵۴)، خط نستعلیق در پاکستان و هند، ترجمه، محمد جعفر جوان، هنر و مردم، ش ۱۵۱.

خوشگو، بندرا بن داس (۱۳۸۹)، سفینه خوشگو، چاپ، سید کلیم اصغر، تهران، مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

دیماند، موريس اسون (۱۳۸۳)، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران، علمی و فرهنگی.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱)، سیری در شعر پارسی، تهران، علمی.

سحاب، عباس (۱۳۸۱)، اطلس چهارده قرن هنر اسلامی، هنر خوشنویسی از آغاز تا امروز، تهران، موسسه سحاب.

سدارنگانی، هرومل (۱۳۵۴)، پارسی گویان هند و سند، بنیاد فرهنگ ایران.

سوچک، پریسیلا (۱۳۸۶)، «خوشنویسی در اوایل دوره صفویه»، ترجمه: ولی الله کاووسی، مجله گلستان هنر، ش ۱۰.

شاهنوازخان، صمصام الدوله (۱۸۸۸)، مآثر الامراء، چاپ: مولوی عبدالرحیم، کلکته، آردوگانید.

صفا، ذبیح الله (۱۳۷۰)، تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری، تهران، فردوس.

علامی، ابوالفضل (۲۰۰۵)، آیین اکبری، تصحیح سرسید احمد، علی گره مسلم یونیورسی علیگره.

قلیچ خانی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، درآمدی بر خوشنویسی ایرانی، تهران، نشر فرهنگ معاصر.

کنبو، محمد صالح (۱۹۶۰)، عمل صال موسوم به شاه جهان نامه، لاهور، ناشر: کریم احمدخان مجلس ترقی ادب.

مستقیم زاده افندی، سلیمان سعدالدین (۱۹۲۸)، تذکره تحفه خطاطان، استانبول، دولت.

نهایندی، عبدالباقی (۱۹۳۱)، مآثر رحیمی، چاپ: محمد هدایت حسین، کلکته، انجمن آسیایی بنگال.

هفت قلمی دهلوی، مولانا غلام محمد (۱۹۱۰)، تذکره خوشنویسان، چاپ: محمد هدایت حسین، کلکته، بیپتس مشن.

هندو شاه استرآبادی، محمد قاسم (۱۸۷۴)، تاریخ فرشته، بمبئی.

Blair, Sheila (2006), Islamic Calligraphy, Edinburgh university press.

Safadi, Yasin Hamid (1978), Islamic calligraphy, London: Thames and Hudson.

SchimmeL, Annemarie (1984), Calligraphy and Islamic Culture, Newyork, Newyork University Press.

Soucek, Priscilla, P (1987), Persian Artists in Mughal India: Influences and Transformation, Muqarnas, Vol. 4, Brill, Netherlauds.

W.lent's, Thomas, And Others (1989), Princely Vision Persian Art and Culture in The Fifteenth Century, Washington.

Wilson, H.H – M.A, F.R.S (1985), A Glossary Of Judicial And Revenue Terms, Islamabad, Muqtadirah – Yi Qaumi Zaban.

